

Vol. 1, Series. 2,
No. 2 Autumn & Winter
184 - 208

The requirements and solutions of practical theology to facing contem- porary challenges

Doi: 10.22034/pt.2025.501725.1050

■ Samane Feyzi

Researcher, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: s.feizi66@gmail.com

ORCID ID: 0009-0002-3189-7132

■ Seyyed Hamid Raof

Faculty Member, Department of Theology and Islamic Studies, Institute of Humanities and Social Studies, Research Institute for Humanities and Social Studies, Tehran, Iran.

Email: ha.raoof@ihss.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-5808-5591



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

Abstract

Traditional religions in the modern and postmodern era have faced serious challenges in maintaining their credibility and authority. These challenges arise from social, cultural, and technological changes that necessitate a review of religious

approaches. In this regard, practical theology has emerged as a necessary branch to strengthen the presence of religion in the daily lives of contemporary humans. This field has incorporated specific themes and capacities with the aim of responding to the new needs of society. The present article analyzes the solutions of practical theology in facing the challenges of contemporary humans using a descriptive-explanatory method and finally points to concrete examples of the implementation of this approach in Islamic societies. Practical theology tries to respond to challenges with a critical and creative approach in order to act as a positive force in today's complex world. Through social participation, the production of new resources and texts, the development of educational strategies, and the use of various media, it seeks to strengthen understanding, peaceful coexistence, and the creation of a sustainable and ethical society.



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

Keywords: Practical theology social challenges cultural diversity interfaith dialogue religious innovation

دوفصلنامه الهیات عملی

سال ۱ / شماره ۲ / شماره پیاپی ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۱۸۴ - ۲۰۸

الزامات و راهکارهای الهیات عملی برای مواجهه با چالش‌های معاصر

Doi: 10.22034/pt.2025.501725.1050

■ سمانه فیضی (نویسنده مسئول)

پژوهشگر، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

رایانامه: s.feizi66@gmail.com

■ سید حمید رئوف

عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی، پژوهشکده علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.

رایانه: ha.raoof@ihss.ac.ir



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

چکیده

ادیان سنتی در عصر مدرن و پسامدرن در حفظ اعتبار و مرجعیت خود با چالش‌های جدی مواجه بوده‌اند. این چالش‌ها ناشی از تغییرات اجتماعی، فرهنگی و فناوری است که نیاز به بازنگری در رویکردهای دینی را ضروری می‌سازد. به همین منظور، الهیات عملی به‌عنوان شاخه‌ای ضروری برای تقویت حضور دین در زندگی روزمره انسان معاصر شکل گرفته است. این حوزه با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جامعه، درون‌مایه‌ها و ظرفیت‌های خاصی را در خود جای داده

است. این مقاله با روش توصیفی-تبیینی، به تحلیل راهکارهای الهیات عملی در مواجهه با چالش‌های انسان معاصر پرداخته است و در انتها به مصادیقی عینی از پیاده‌سازی این رویکرد در جوامع اسلامی اشاره می‌کند. الهیات عملی می‌کوشد با رویکردی انتقادی و خلاقانه به چالش‌ها پاسخ دهد تا همچون نیرویی مثبت در دنیای پیچیده امروز عمل کند. از طریق مشارکت اجتماعی، تولید منابع و متون جدید، تدوین راهبردهای آموزشی و بهره‌گیری از رسانه‌های مختلف، به دنبال تقویت تفاهم، همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد جامعه‌ای پایدار و اخلاقی است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، چالش‌های اجتماعی، تنوع فرهنگی، گفت‌وگوی ادیان، نوآوری دینی، فناوری، دین.



مقدمه

الهیات عملی شاخه‌ای نوپا در رشته الهیات است که از طریق اعمال اصول الهیاتی در زندگی عینی، بر تجربیات زیسته توجه دارد و شکاف میان باور دینی و زندگی روزمره را پر می‌کند. براونینگ در اثر خود با عنوان *الهیات عملی بنیادین*^۱ الهیات عملی را با مفهوم «*phronsis*»^۲ ارسطو مترادف می‌داند؛ شیوه‌ای که افراد و جوامع، باورهای دینی و زندگی خود را در آن شکل می‌دهند (Browning, 1995, pp. 2-5, 10-11). ریچارد اوسمر نیز در تعریف خود به نقش زمینه‌ها و چهارچوب‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در شکل‌دهی باورهای افراد توجه دارد (Osmer, 2008). الهیات عملی در تجربیات افراد ریشه دارد و به دنبال تشخیص حضور امر قدسی در آن تجربیات است (Ganzevoort & Roeland, 2014, p. 99).

نکته درخور توجه در این تعاریف، پیوند میان انسان معاصر و تجربیاتش و کارکرد تسهیل‌گرانه الهیات عملی برای انسان است. بر این اساس، سه عنصر تجربه انسانی، مسائل زیست فردی و اجتماعی، و کارکرد تعالیم دینی-الهیاتی هسته کانونی الهیات عملی‌اند. کارویژه این شاخه، توانایی‌اش برای مواجهه با چالش‌های انسان معاصر (وجه انسانی) و ارائه راه‌حل الهیاتی برای آن (وجه الهیاتی) است که متضمن ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی است. خصلت

1. Don S. Browning, *A Fundamental Practical Theology*

۲. حکمت عملی (واجد افکار معقول بودن) علمی است که انسان را به عمل رهنمون شود؛ خرد مرتبط با عمل که شرط لازم برای همه فضیلتهاست.



جهان معاصر پیچیدگی و تغییرات مداوم است و به تبع این ویژگی، جوامع بشری با مسائلی مانند نابرابری نظام‌یافته، تنوع فرهنگی و معضلات اخلاقی ناشی از پیشرفت‌های فناوری در حوزه عمومی و خصوصی مواجه‌اند. در چنین موقعیتی، الهیات عملی به دنبال تضمین عمل بر مبنای ایمان و زندگی اصیل در پرتو کتاب مقدس است (Swinton & moat, 2016, p. vi). الهیات عملی سعی دارد با چنین راهبردی، چهارچوبی برای درک و پاسخ به مسائل مبرم عصر ما فراهم کند.

الهیات عملی برای انسان دیندار امروزی از این جهت اهمیت دارد که به جوامع دینی کمک می‌کند در جهان در حال تغییر، اعتبار و کارایی خود را حفظ کنند. به انسان دیندار نیز این امکان را می‌دهد که با توجه به تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، دین‌ورزی خود را با نیازهای فردی و اجتماعی سازگار کند. این سازگاری تضمین می‌کند دین و الهیات نیروی راهنما و پیشرو خود را در رویارویی با مسائل و چالش‌ها حفظ کنند. همچنین، به افراد امکان و فرصت دخیل کردن تجارب فردی در دینداری را می‌دهد. امری که متناسب با آن، افراد می‌توانند به درک جدیدی از دینداری و دین‌ورزی دست یابند. الهیات عملی از این منظر (توجه به نقش و تجربه انسان) واجد تفکر انتقادی و تأمل در جوانب مختلف اندیشه الهیاتی و دینی است؛ امری که انسان را تشویق می‌کند در مقابل چالش‌ها، مفروضات الهیاتی خود را بازبینی کند و به درک عمیق‌تری از باورها نائل آید.

پس، الهیات عملی با پرداختن به پیچیدگی‌های زندگی مدرن و ادغام مفاهیم اساسی دینی و الهیاتی با واقعیت چالش‌های معاصر، کمک می‌کند افراد و جوامع، فعالانه با مسائل اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی درگیر شوند و برای پرورش دیدگاه دینی راهی را بیابند که هم دگرگون‌کننده باشد، هم پاسخگوی نیازهای جامعه. با این توضیح، پرسش پیش روی ما از نحوه دقیق عملکرد الهیات عملی است؛ مشتمل بر الزامات ضروری مندرج در آن و راهکارهای مستخرج از آن، و البته پرسش از چگونگی نحوه ارتباط و عملکرد الهیات عملی با چالش‌های معاصر.

درباره الهیات عملی پژوهش‌های گوناگونی شده است که به سه دسته تقسیم میشوند:
الف) برخی به معرفی آن پرداخته‌اند، مانند مقاله «درآمدی بر الهیات عملی در اندیشه دینی مدرن» (۱۳۹۰) و «الهیات عملی و وظایف آن» (۱۳۹۱)، هر دو از حبیب‌الله بابایی، که به نحوه صورتبندی آن در تاریخ اندیشه دینی پرداخته است.

ب) برخی دیگر به بررسی موضوعی توجه داشته‌اند و موضوعاتی را مرتبط با الهیات عملی مطرح کرده‌اند، مانند «معناشناسی الهیات عملی بر مبنای متافیزیک عمل در اندیشه علامه طباطبائی» (۱۴۰۱) از مهدی ساعت‌چی و «الهیات عملی و رنج بشری: پیش‌نهاده



سیمون وی» (۱۴۰۱) از مجتبی اعتمادی‌نیا.

ج) دستة سوم مقالاتی‌اند که در قالب نقد به چالش‌های پیش روی آن در میزان کارآمدی و اثربخشی پرداخته‌اند، مانند «چالش‌های پیش روی الهیات عملی» (۱۴۰۱) که در آن اکبر قربانی به موانع الهیات عملی برای پرداخت به مسائل جهانی توجه کرده است.

با وجود این تنوع، نیاز به پژوهشی است که از منظر درونی به این شاخه بنگرد و نحوه مواجهه آن با مسائل انسان معاصر و ظرفیت‌های ممکن را مورد توجه قرار دهد. این مقاله متضمن چنین رویکردی است و از این جهت نوآورانه است. در آن چالش‌های پیش روی انسان معاصر، الزامات الهیات عملی، راهکارهایش و مصادیقی عینی از آن مورد بحث قرار گرفته است.

چالش‌های معاصر و تأثیر آن بر الهیات

چالش‌های پیش روی انسان معاصر پیش از هر چیز محصول نحوه تعامل او با خود، دیگری، طبیعت، خدا، نهادها و ساختارهای فرهنگی و فناوری است. درک عمیق چالش‌های پیش روی انسان بدون توجه به دامنه وسیع فعالیت و زمینهای اثرگذاری او میسر نمی‌شود. البته حیطه‌های تعاملی انسان در گفتمان میان الهیات و حیات او برای محدود کردن این دامنه وسیع به منظور انجام پژوهش‌های علمی سودمند است. گفتمانی که حداقل چهار سطح اجتماعی و سیاسی، تنوع فرهنگی و چندفرهنگی، اخلاقی (انسانی و زیست‌محیطی) و پیامدهای توسعه فناوری را در خود جای می‌دهد. این سطوح به جهت خصیصه جهان مدرن همواره در معرض تغییرند و نه تنها بر کنش دینی افراد اثر می‌نهند، بلکه ماهیت نظام‌های اعتقادی و تفاسیر مستخرج از آنها را بازتعریف می‌کنند. در ادامه، به معرفی این چالش‌ها و نسبت آنها با الهیات خواهیم پرداخت.

الف) چالش‌های اجتماعی و سیاسی. تأثیری مستقیم بر اعمال و ادراکات دینی در جامعه دارند. غلبه فرهنگی - اجتماعی جنبش‌هایی مانند ملی‌گرایی^۳، عوام‌گرایی^۴ و قطبی شدن سیاست به ارزیابی مجدد رابطه ایمان با سیاست منجر میشود. در دل ملی‌گرایی، به‌ویژه در اشکال افراطی‌اش، نوعی تخاصم و تقابل نهفته است که نقطه مقابل مدنیت، سازش و پذیرش تفاوت‌ها شمرده میشود (Grosby, 2005, p. 17). گروه‌های دینی به سبب حضور اجتماعی و جهت‌گیری‌های فکری، گاه گرفتار منازعات سیاسی می‌شوند که ممکن است با



3. Nationalism

4. Populism

آموزه‌های اصلی دینی آنان همسو نباشد. تعامل دین و سیاست گاهی دین را همچون نیرویی تفرقه‌افکن می‌نمایاند و گاه منبع صلح به حساب می‌آید (Silvestri & Mayall, 2015, pp. 70-72). چنین درک و دریافتی رهبران دینی را به چالش می‌کشد تا راه‌هایی برای مشارکت سازنده در حوزه عمومی بیابند و درعین حال به اعتقادات خود وفادار بمانند.

در کنار این تعامل دوسویه، جنبش‌های اجتماعی، در قالب الهیات رهایی‌بخش، مبارزه با فقر و مانند آن، جوامع دینی را وامی‌دارند تا نقش خود را در رسیدگی به بی‌عدالتی‌های نظام‌مند ارزیابی کنند. برای مثال، فراخوان برای همبستگی با گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده، سبب تمرکز مجدد بر پژوهش در حمایت از تغییرات اجتماعی می‌شود. اگر سرمایه اجتماعی را ظرفیت یک گروه در دستیابی به اهداف جمعی بدانیم، فرهنگ دینی می‌تواند چشم‌اندازی را شکل دهد که سرمایه اجتماعی را به کنش اجتماعی تبدیل کند. ایجاد و حفظ چشم‌انداز وحدت‌بخش در جوامعی که سرمایه اندکی (اقتصادی، اجتماعی و...) دارند، دشوار است. انزوای اجتماعی خصلت بارز افراد طبقه ضعیف است و پیامد آن تضعیف بینش آنهاست، ایجاد چشم‌انداز مذکور با شکستن این انزوا حاصل می‌شود (Unruh, 2005, p. 223). این تغییرات در مسائل مورد تأکید، پیامدهای مهمی برای آموزش الهیات و تشکل رهبران دینی دارد که باید برای رسیدگی به مسائل اجتماعی معاصر به راهکارهای جدید مجهز شوند. مسائلی مانند انحرافات فرهنگی، معضلات اخلاقی و درگیری‌های سیاسی-اجتماعی عمیقاً بر الهیات و اعمال دینی جامعه تأثیر می‌گذارند. اگرچه در نگاه اول این مسائل، ظرفیت‌هایی برای حضور اجتماعی دین تلقی می‌شوند، اما موانعی جدی برای چگونگی ابراز اجتماعی و تعامل مبنایی ایجاد می‌کنند. طبیعتاً فرصت‌هایی از جنس گفت‌وگو، تعامل و تحولات درونی می‌توانند جوانب گوناگونی از رشد را فراهم آورند، اما محتوای درونی بسیاری از مسائل اجتماعی می‌توانند چالش‌هایی جدی پیش روی الهی‌دانان و دینداران قرار دهند.

ب) چالش‌های ناشی از تعاملات دین و تنوع فرهنگی. تنوع فرهنگ و باورهای دینی یکی از چالش‌های مهم الهیات معاصر است. دسترسی سریع و آزاد به اطلاعات و «آلایش شناختی»^۵ به درهم‌تنیدگی فرهنگ‌های گوناگون منجر شده است و نسل‌های امروزی خود را در معرض هویت‌ها و باورهای مختلفی می‌بینند. این چالش به فرصت بدل می‌شود اگر با این دیدگاه به مسئله بنگریم که درگیرشدن با سنخ‌های ایمانی و دینی متنوع، می‌تواند درک ما از امر الوهی و تعهد ما به عدالت را غنی‌تر کند. از نظر کوک تعامل با سنت‌های دینی مختلف انسان را به درک غنی‌تری از خدا و معنویت می‌رساند (Kwok, 2005, pp. 2-9). الهیات عملی



۵. این اصطلاح را پیتر برگر در کتاب *اعتقاد بدون تعصب* به کار برده است. حالتی که در آن افراد فرضیات مشترکی درباره چستی جهان و شیوه رفتار در آن دارند (برگر و زایدرولد، ۱۳۹۸، ص. ۲۷).

می‌کوشد مشوق گفت‌وگو و همکاری بین ادیان و مذاهب و نحله‌های دینی باشد و احترام و درک متقابل را در میان گروه‌های مذهبی ترویج کند. با این هدف که نه‌تنها پیوندهای میان گروه‌های جامعه را تقویت کند، که احساس وجود هدف مشترک و همگرایی را در رسیدگی به چالش‌های موجود عملی سازد.

در جوامع جدید که به‌گونه‌های فزاینده در حال متکثرشدنند، مواجهه سنت‌های دینی به شکلی پیچیده صورت می‌گیرد. این مواجهه دو سویه به‌ظاهر متضاد دارد؛ از یک طرف، به غنی‌تر شدن سنت دینی می‌انجامد و از سوی دیگر، به تنش متقابل میان دین و جامعه. دینداران و جوامع به‌شکل متقابل یکدیگر را تغییر می‌دهند، برخورد بین سنت‌های دینی و اعتقادی ممکن است به گفت‌وگو و تفاهم یا درگیری و تفرقه بینجامد. (Greider, 2014, pp. 453-455). یکی از زمینه‌های مهم بروز تنوع فرهنگی در جهان معاصر موضوع جهانی‌شدن است. زمانی که فرهنگها بر اثر عواملی، همچون مهاجرت، سفر، رسانه و مانند آن، درهم می‌آمیزند، ضرورت وجود چهارچوبی الهیاتی برای جای دادن دیدگاه‌های مختلف در خود احساس می‌شود. الگوهای الهیات سنتی اغلب برای یافتن ارتباط در زمینه‌های چندفرهنگی تلاش می‌کنند که ضرورت رویکردهای فراگیرتر را سبب می‌شود (Sharp, 2011, pp. 423-426).

علاوه بر این تحول درونی، مطالباتی بیرونی برای یافتن ارتباط با زمینه‌های چندفرهنگی از الگوهای الهیات سنتی مطرح می‌شود و این الگوها می‌کوشند با عرضه رویکردهایی فراگیرتر به آن پاسخ گویند. چنان‌که ظهور الهیات فمینیسم، الهیات رهایی‌بخش، الهیات سیاهان و الهیات پسااستعماری نمود بخشی از این تلاش‌هاست که به دنبال پاسخ‌گویی به صداهایی‌اند که در طول تاریخ به حاشیه رانده شده‌اند. الهیات عملی باید بتواند خود را در جامعه‌های متکثر با مفروضات دینی - فرهنگی متنوع ابراز کند (Browning, 1995, p. 187). با این حال، این رویکردهای فراگیر خطر مواجهه با نسبی‌گرایی را نیز به همراه دارند که در آن، منحصر به فرد بودن حقایق دینی ممکن است در جست‌وجوی شمول و فراگیری کم‌رنگ شود. این امر مرجعیت باورهای دینی نزد افراد را دچار مشکل می‌کند. چالش اصلی برای فرد حفظ یکپارچگی سنت دینی در تعامل با دیگری (فرهنگی-الهیاتی) است، و برای دین و الهیات مسئله این است که با حضور در این چشمانداز، باید با تنش ناشی از اعلام حقانیت خود در کنار پذیرش کثرت نظام‌های اعتقادی به‌عنوان مشخصه جامعه معاصر، دست و پنجه نرم کند. (چالش‌های اخلاقی؛ مسائل حقوق بشر، نابرابری‌ها و مسائل زیست‌محیطی). تلاقی الهیات و اخلاق به نقطه کانونی بسیاری از جوامع دینی بدل شده است، زیرا الهیات و جامعه به دنبال پاسخ‌گویی به این مسائل‌اند. یکی از نمونه‌های مهم و مورد توجه متألهان حقوق بشر است.



اعلامیه جهانی حقوق بشر، بسیاری از رهبران دینی را بر آن داشت در مورد مفاهیم اخلاقی آموزه‌های خود در زمینه عدالت اجتماعی تأمل کنند. به اعتقاد اوسمر، الهیات نه تنها باید بر کرامت انسانی تأکید کند، بلکه باید در پیگیری عدالت و برابری مشارکت فعالانه داشته باشد و برای تأمل و هدایت به هنجارهای اخلاقی متمسک شود؛ دیدگاه تساوی که طبق آن همه افراد ارزش و منزلت اخلاقی یکسانی دارند (Osmer, 2008, pp. 132-135). این امر سبب ارزیابی مجدد آموزه‌های سنتی می‌شود که ممکن است نابرابری یا تبعیض را تداوم بخشد. شئون دیگری از نابرابری‌ها، مانند نابرابری‌های اقتصادی، بی‌عدالتی‌های نژادی و نابرابری‌های جنسیتی هم وجود دارد که اغلب ساختارهایی که گروهی را بر دیگری ترجیح می‌دهند، عامل تشدید آناند. رویکرد الهیات عملی به مسائلی از این دست، ترغیب برای حلوفصل آنها با پی‌رنگ دینی است. تصور نبوی^۷ ما را فرا می‌خواند تا عدالت و برابری را در اولویت قرار دهیم، گناهان خود را در برابر محیط زیست، همسایه، نژادپرستی و مصرف‌گرایی خودپسندانه شناسایی کنیم (Brueggemann, 2012, pp. 68-69). از این‌رو، نهادهای دینی با ادغام اصل عدالت اجتماعی در رسالت خود می‌کوشند از طریق اولویت‌دادن به موضوع عدالت در رسالت خود جوامعی را پرورش دهند که به نابرابری‌هایی که در جریان است، واکنش نشان دهند.



مسائل مربوط به محیط زیست و چالش‌های اقلیمی از موارد دیگری است که موجب شده منظرهای الهیاتی آموزه‌های خود را درباره نسبت انسان با طبیعت و جایگاه طبیعت برای انسان بازبینی کنند. چالش پایداری زیست‌محیطی و مطالبه فراگیر برای حفظ و احیای محیط‌زیست در الهیات، در قالب مراقبت از خلقت خداوند و عدالت زیست‌محیطی، توجه بسیاری را جلب کرده است. این اندیشه سبب ظهور اکوتئولوژی^۸ شد؛ شاخه‌ای که با توجه به نگرانی‌های زیست‌محیطی، بر روابط متقابل دین و طبیعت و مسائلی مانند میزان تسلط انسان بر طبیعت تمرکز دارد. از این‌رو، الهی‌دانان تخریب محیط‌زیست را چالشی اخلاقی میدانند که نمی‌شود آن را نادیده گرفت (Jenkins, 2013, pp. 14-18). برای مثال، در همین

۶. مانند ساختارهای الیگارش‌ی که در آن یک یا چند گروه، شرکت یا خانواده قدرتمند کنترل امور کشور یا سازمانی را در دست دارند.

۷. «Prophetic imagination» اصطلاحی است که نخستین بار از سوی والتر بروگمان به کار برده شد. فرضیه بروگمان در کتاب *The practice of prophetic imagination: Preaching an emancipating word* این است که انبیای کتاب مقدس به جای «آگاهی غالب» واقعیتی جایگزین معرفی می‌کردند تا هم جامعه معاصر خود را نقد کنند و هم انرژی جدیدی به جامعه ایمانی خود ببخشند (Brueggemann, 2012, p. ۳).

۸. «eco-theology»، شاخه‌ای از الهیات که به روابط متقابل دین و طبیعت می‌پردازد و در اثر آگاهی روزافزون از بحران زیست‌محیطی به وجود آمده است.

زمینه، پاپ فرانسیس در سال ۲۰۱۵ بخشنامه‌ای منتشر کرد با عنوان «Laudato Si» که به‌طور خاص بر مسئله محیط زیست، مصرف‌گرایی و توسعه اقتصادی غیرمسئولانه تأکید داشت: «زمین، خانه ما، بیشتر شبیه توده‌ای عظیم از کثیفی به نظر می‌رسد» (Francesco, 2015, p. 21). در پی آن، بسیاری از جوامع دینی از تصدی و نظارت بر محیط زیست به‌منزله الزام الهیاتی دفاع کردند.

د) آثار فناوری بر دین و نگاه‌های الهیاتی. سیر دگرگون‌کننده فناوری در جهان معاصر عمیقاً بر دین و الهیات تأثیر گذاشته و فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای آن ایجاد کرده است. به اعتقاد دورکیم (۱۳۹۶)، در جهان پیشامدرن مناسک و نمادهای دینی در شکل‌گیری هویت جمعی عاملی اثرگذار است، اما امروز رسانه‌های دیجیتال نحوه تعامل جوامع مذهبی، به اشتراک‌گذاری باورها و انتشار اندیشه‌های الهیاتی را تغییر داده‌اند. تعاملات افراد در پهنه اینترنت به واسطه‌ای مهم برای ساخت و انتقال هویت در زندگی دینی معاصر تبدیل شده است. این تعاملات ممکن است به تفسیر دوباره باورها بینجامد یا آنها را حفظ کند، یا ارزشها و هنجارهای جدیدی را شکل دهد و محیط متفاوتی را برای شکل‌گیری هویت دینی فراهم کند، به‌طوری‌که روشهای کنترل سنتی تضعیف شوند (Lövheim & Lundmark, 2021, pp. 56-61).

مسائل مربوط به حریم خصوصی، هوش مصنوعی و اخلاقیات تعامل دیجیتال مستلزم رویکردی اندیشه‌ورزانه است که اطمینان دهد فناوری در خدمت بشریت است نه در تقابل با اصول و ارزش‌های انسانی. شاخه علمی «دین دیجیتال»^۹ بر این مسئله تمرکز دارد و از جنبه‌های مختلف به آن می‌پردازد. محیط‌های دیجیتالی می‌توانند اشکال جدیدی از اجتماع و ارتباط را تسهیل کنند، اما به تأمل انتقادی هم نیاز دارند. واسطه‌گری فناوری در دینداری ممکن است به افزایش، محدودیت یا تعدیل تجربه‌ها و تعاملات دینداران منجر شود (Johns, 2021, pp. 250-251). الهیات عملی از طریق حضور در شبکه‌های اجتماعی، تولید پادکست‌های دینی، برگزاری وبینارها و توسعه برنامه‌های تلفن‌های هوشمند با زمینه‌های دینی، در این حوزه‌ها حضور یافته، اما ورود به این حوزه‌ها نیازمند نوعی بازنگری و پیکربندی دوباره مباحث و موضوعات الهیاتی است.

این چرخش فناورانه بدون چالش نخواهد بود. ماهیت فراگیر فناوری به نگرانی‌هایی درمورد اعتبار و کمرنگ‌شدن تجربیات دینی منجر می‌شود. برای مثال، محدودبودن وجه دینداری به تعامل مجازی و مشارکت در دینداری با تکیه بر فضای دیجیتال در ایجاد حس الوهیت، تعلق و مشارکت اجتماعی نقص شدیدی دارد. بسیاری از روال‌های دینی را نمی‌شود به

۹. این شاخه به بررسی تحول باورهای و اعمال دینی در دنیای دیجیتال می‌پردازد.



دنیای دیجیتال برون‌سپاری کرد، اعمال آیینی با کارکردهای وسیعی که دارند هنوز در این فضا جایگزینی نیافته‌اند (Helland & Kienzl, 2021, pp. 49-50). به‌علاوه، ظهور «دین دیجیتال» اغلب محل تلاقی مسائل مربوط به مرجعیت و پایبندی به شیوه‌های سنتی دینداری است، زیرا افراد تجربیات معنوی خود را به صورت برخط مدیریت می‌کنند، که باعث چشم‌انداز دینی چندپارچه می‌شود (Campbell & Evolvi, 2019, p. 7). تفاسیر الهیاتی به دنبال فناوری با چالش‌هایی روبه‌رویند. بی‌واسطگی اطلاعات و گسترش سریع ایده‌ها ممکن است بحث‌های الهیاتی را بیشتر تحت‌تأثیر افکار عمومی قرار دهند تا گفتمان سنتی علمی. این پدیده سؤالاتی را درمورد اقتدار رهبران دینی و نقش آموزش الهیات در عصری که هر کسی می‌تواند ادعای تخصص کند، ایجاد می‌کند (Ibid, pp. 7-8). بنابراین، درحالی‌که فناوری، فراگیری و مشارکت را تقویت می‌کند، هم‌زمان چالش‌های مهمی را برای یکپارچگی گفتمان الهیاتی ایجاد می‌کند.

با وجود همه چالش‌هایی که اشاره شد، دین و الهیات به مدد خصلت انطباق‌پذیری با موقعیت‌ها و دشواری‌ها، ظرفیت‌های عمده‌ای برای رویارویی با آنها دارند. الهیات عملی بخشی از این ظرفیت‌هاست که می‌کوشد با ارائه راهکار چشم‌انداز امیدبخشی را برای زیست دیندارانه پیش روی انسان بگشاید. تحقق این راهکارها الزاماتی دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.



الزامات الهیات عملی در مواجهه با چالش‌های معاصر

جهان در حال تجربه تغییرات شتابان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه است. الهیات عملی که در پی اعمال اصول الهیاتی در جامعه است، برای پرداخت موثر به این مسائل باید چاره‌ای بیندیشد. رسیدن به این هدف الزامات، زمینه‌ها و مقوماتی دارد که در این نوشتار، با توجه به ماهیت مسائل به چهار الزام حیاتی الهیات عملی خواهیم پرداخت؛ الزام تحلیل و نقد آموزه‌های دینی، ضرورت گفت‌وگو و تعامل با ادیان و فرهنگ‌های دیگر، توسعه تفکر انتقادی و اهمیت نوآوری در آموزه‌های اعتقادی.

الف) تحلیل و نقد آموزه‌های دینی. جهانی که آن را تجربه می‌کنیم مملو از ایدئولوژی‌ها و نظام‌های اعتقادی گوناگون است که بعضاً متضاد و ناسازگارند. با تغییرات جهان و حیات اجتماعی بشر، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مدام در معرض بازنگری و تغییرند، اما به آن معنا نیست که دین و نگاه الهیاتی کارکرد خود را از دست داده است، بلکه به‌طور مداوم در کشاکش خلاقانه‌ای با تغییرات اجتماعی قرار می‌گیرد (Fen, 1972, p. 17). این امر درباره آموزه‌های الهیاتی نیز صدق می‌کند. بررسی آموزه‌های دینی به معنای سنجش میزان

همسویی آنها با واقعیات انسان معاصر است. برای مثال، عموم دیدگاه‌های سنتی درباره نقش‌های جنسیتی، جنسیت و عدالت اجتماعی اغلب با چالش‌هایی از دیدگاه‌های اخلاقی مدرن روبه‌رویند. اجتناب از این موضوع ممکن است به زیان دیدگاه سنتی باشد، زیرا اخلاق مدرن بدون هیچ محدودیتی آرای خود را با واقعیات محقق انسان معاصر سازگار می‌کند. از این رو، الهیات باید از طریق درگیر شدن در تجزیه و تحلیل دقیق، در جهت تأکید بر موضوع عدالت، تعدیل در آموزه‌های مغایر و تفسیر دیدگاه‌های معارض اقدام کند.

نقد صرفاً به معنای پرداختن به نکات منفی نیست، شکل سازنده‌ای از تعامل است که به دنبال درک و بهبود آموزه‌های دینی است. همچنانکه جوامع رشد و تغییر را تجربه می‌کنند، برای بقای آموزه‌های دینی و جلوگیری از به‌حاشیه رفتن آن باید از خاصیت همه‌زمانی این آموزه‌ها بهره جست. این متناسب‌سازی به معنای تسلیم یک‌باره در برابر نظریات ابطال‌پذیر علمی نیست، بلکه به معنای ارائه راهحل و توصیه به اقداماتی سازنده برای بهبود زیست انسانی و اجتماعی است که در بنیاد دین مورد تأکیدند. دیوید تریسی، متأله معاصر، در اثر خود با عنوان *تخیل قیاسی: الهیات مسیحی و فرهنگ کثرت‌گرایی*^۱ مفصلاً به لزوم خوداندیشی انتقادی در الهیات پرداخته و معتقد است این اقدام از طریق رویکردی منتقدانه و خودنگر می‌کوشد با چالش‌های انسان معاصر درگیر شود. این مشارکت انتقادی مستلزم بررسی کامل متون، سنت‌ها و شیوه‌های دینی برای ارزیابی کاربرد و تأثیر آنها در شرایط امروزی است (Tracy, 1981).

برخی رویکردها در الهیات جدید، در واقع پاسخی انتقادی به تفسیرهای سنتی از دین‌اند که به دلایل فرهنگی-زیستی برخی امور انسانی، همچون توجه به جنس زنانه، عدالت اجتماعی و برابری و حقوق اقلیت‌ها را کمتر محل توجه قرار داده‌اند. با بررسی و بازنگری در تفاسیر سنتی و بعضاً جانبدارانه، متألهان می‌توانند درک فراگیرتری از ایمان ایجاد کنند تا در جامعه معاصر طنین‌انداز شود. تحلیل و نقد، فرهنگ پاسخ‌گویی را در جوامع دینی پرورش میدهد. این رویکرد نه تنها گفتمان کلامی را غنی می‌کند، بلکه به شناسایی و رفع نقاط کور بالقوه در آموزه‌های دینی کمک میکند. وظیفه اصلی الهیات پرسش است، تأمل الهیاتی که با واقعیت‌های زیسته انسان معاصر در ارتباط نباشد، شاید برای الهیات و فربه‌تر شدن نظری آن مفید به نظر آید، اما مغایر با بسط انسانی و تجربه اجتماعی آن است (Johnson, 2017, pp. 4-8; Schlumpf, 2016, p. 10). از این رو، پرورش محیط تحلیل انتقادی در الهیات نه تنها سودمند است، بلکه برای حیات سنت‌های ایمانی ضروری است.

ب) ضرورت گفت‌وگو با ادیان و فرهنگ‌های دیگر. زیست انسان معاصر به دلیل پیوستگی



و ارتباطات مستمر، واجد مشارکت و هم‌زیستی‌هایی در سطوح مختلف است. موضوعی که لزوم ارتباط و تعاملات میان‌فرهنگی و بین‌الادیانی را تقویت می‌کند. گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب راه‌هایی را برای همکاری و یادگیری مشترک باز می‌کند و به جوامع دینی اجازه می‌دهد با شناسایی ارزش‌های مشترک، امکان بررسی جوانب و ارائه راه‌حل را در مقابل چالش‌های اجتماعی فراهم آورند. اثربخشی این امر، به‌خصوص در مسائل فراگیری مانند تغییرات اقلیمی، فقر و حقوق بشر بسیار ضروری و مهم است. تلاش مشترک میان سنت‌های مذهبی مختلف می‌تواند تأثیر جمعی آنها را تقویت کند. یکی از نمونه‌های مهم در این زمینه «بیانیه بین‌الادیانی درباره تغییرات اقلیمی»^{۱۱} است که در آن رهبران دینی مختلف برای حمایت از نظارت بر محیط زیست متحد شده‌اند. از دیگر نمونه‌های موفق «پارلمان ادیان جهان»^{۱۲} است که نمایندگانی از سنت‌های مذهبی مختلف را گرد هم می‌آورد تا در مورد مسائل مهم جهانی گفت‌وگو کنند. ممکن است سخن هانس کونگ^{۱۳} که «صلح بین ملل بدون صلح در میان ادیان وجود ندارد و صلح میان ادیان بدون صلح میان ملت‌ها حاصل نمی‌شود» (Küng, 1928, p. 7)، در ابتدا اغراق‌آمیز به نظر آید، اما به حقیقتی در کنه تعاملات فرهنگی-دینی اشاره دارد و نشان می‌دهد تعاملات سازنده بین‌الادیانی چگونه و به چه میزان می‌توانند برای جهان امروز انسان مفید و مؤثر باشند.

به علاوه، گفت‌وگو با ادیان دیگر، زمینه رشد تفکرات الهیاتی را نیز تقویت می‌کند. قرار گرفتن در معرض باورها و اعمال مختلف سبب می‌شود افراد با چالش‌هایی در اعتقادات یا رفتارهای دینی روبه‌رو شوند، اما همین امر زمینه تحقق درکی عمیق‌تر از باورها را ایجاد می‌کند. البته پرداختن به گفت‌وگو مستلزم تعهداتی چون فروتنی و صراحت، تمایل به شنیدن فعالانه و یادگیری از دیگران است. آن هم در زمانی که اعتقادات طرف مقابل با باورهای ما متفاوت است. چنین رویکردی فضای احترام و همدلی را تقویت می‌کند و امکان کشف ارزش‌های مشترک، وفاق و آشتی را ایجاد می‌کند، زیرا گفت‌وگو ابزاری برای ایجاد پل‌های بین فرهنگی



۱۱. «Interfaith Climate Change Statement» بیانیه بین‌الادیانی درباره تغییرات اقلیمی سندی است که به‌طور مشترک در رویدادهای اجلاس رهبران دینی جهان در مورد تغییرات اقلیمی صادر می‌شود و نگرانی‌ها و تعهدات مشترک آنها را در مورد بحران‌های تغییرات اقلیمی بازگو می‌کند. یکی از معروفترین بیانیه‌ها در سال ۲۰۱۵ در حاشیه کنفرانس COP۲۱ در پاریس صادر شد. صفحه اینترنتی این اجلاس‌ها در آدرس «<https://www.interfaithclimate.org>» در دسترس است.

۱۲. «Parliament of the World's Religions» سازمانی بین‌المللی است که هدف آن ترویج گفت‌وگو، همکاری و درک متقابل میان ادیان و فرهنگ‌های مختلف و افزایش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان است. نخستین کنفرانس این پارلمان در سال ۱۸۹۸ در شیکاگو برگزار شد و پس از آن هر چند سال یکبار کنفرانس‌هایی برگزار می‌کند.

۱۳. «Hans Küng, ۱۹۲۸-۲۰۲۱» الهیدان اهل سوئیس و استاد دانشگاه توبینگن است.

و ادیانی است که حس انسانیت مشترک را ترویج می‌کند (Teasdale, 2004, pp. 5-6). گفت‌وگوها انواع مختلفی دارند؛ جدلی، شناختی، صلح‌ساز و مشارکت‌جویانه (Melnik, 2020, p. 48) که به جز نوع اول، بقیه از طریق ایجاد فضایی مشتمل بر حس مشترک انسانی فرهنگ‌ها و ادیان می‌توانند ایده خود را ترویج کنند که درحقیقت همچون خانواده برای کنارهم‌بودن و جمع‌بودن آفریده شده‌اند.

الهیات عملی در ضرورت گفت‌وگو، از تعاملات بین ادیانی فراتر می‌رود و با زمینه‌های فرهنگی گسترده‌تری تعامل می‌کند که جوامع دینی در آن حضور دارند، و الهیاتی را پرورش می‌دهند که پاسخ‌گوی نیازهای آنها باشد. در کتاب راهنمای الهیات عملی از فصلهای ۴۴ تا ۵۶ به نمونه‌های عینی مختلفی اشاره شده که الهیات عملی در جوامع مختلف با بافت دینی متفاوت چگونه عمل می‌کند.^{۱۴} با درک نیروها و عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که زندگی معاصر را شکل می‌دهند، متکلمان و الهی‌دانان می‌توانند چهارچوب‌های الهیاتی مرتبط‌تر و پاسخ‌گوتری ایجاد کنند. این مشارکت، الهیاتی را پرورش می‌دهد که منعکس‌کننده آموزه‌های دینی است و هماهنگ با نیازها و چالش‌های جوامعی است که در آنها رشد می‌کند. (توسعه تفکر انتقادی. تفکر انتقادی شامل توانایی تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ترکیب اطلاعات برای تصمیم‌گیری آگاهانه است (Brookfield, 1987, pp. 13-14). در آموزش الهیات و پرورش متعلمان مهارت‌های تفکر انتقادی، امکاناتی ایجاد می‌کند، مانند شناخت معضلات اخلاقی و اعتقادی، بازبینی مفروضات اولیه، ارزیابی اعتبار استدلال‌ها، و دستیابی به نتایجی که از نظر دلیل و شواهد مستدل باشند.

این امکانات درک عمیق‌تری از ایمان دینی خود و دیگری به دست می‌دهند. از نگاه اوسمر، در آموزش الهیات عملی الگوهایی مؤثرند که روندهای رشد را در کسب تفکر انتقادی، قضاوت تأملی، خلاقیت و مهارت ترسیم می‌کنند (Osmer, 2008, p. 229). شناخت دیدگاه‌های متنوع سبب همدلی و درک بیشتر شود. ضرورت این امر در جهان جدید و با رشد شتابان جنبش‌های افراطی و بنیادگرایی دینی دوچندان شده است. عموم جنبش‌های افراطی بر باورهایی جزمی استوارند که با تفکر انتقادی میانه‌ای ندارند. تجهیز عموم افراد (اعم از متألهان و افراد عادی) به تفکر انتقادی ایجاد محیط گفت‌گویی گسترده‌تر، مشتمل بر تعامل با افراد خارج از سنت ایمانی را تسهیل می‌کند.

۱۴. در فصلهای مذکور از کتاب زیر، نمونه‌هایی از اروپای قاره‌ای، بریتانیا، بخش فرانسوی کانادا، ایالات متحده، آفریقای جنوبی، غرب آفریقا، برزیل، کره جنوبی، استرالیا و اقیانوسیه بررسی شده است. رک:

The Wiley-Blackwell Companion to Practical Theology (2012), ed. Bonnie J. Miller-McLemore.



د) نیاز به نوآوری و روزآمد کردن آموزه‌های دینی. توانایی نوآوری و ایجاد انطباق میان عقاید و باورهای مبنایی با تحولات و دریافتهای پویای جهان جدید، امری ضروری برای الهیات است. تحولات جدید جهانی سبب شده جوامع دینی با معضلاتی در حوزه‌های مختلف اخلاقی، علمی و تغییرات فرهنگی روبه‌رو شوند. معضلاتی که باورهای سنتی را به چالش می‌کشند و آنها را در مواجهه عینی با شرایط و اقتضائات زیست انسان جدید قرار می‌دهند. از این‌رو، توانایی نوآوری و انطباق برای حفظ ارتباط آموزه‌های دینی با زیست عینی اجتماعی، امری ضروری است. طبیعتاً نوآوری الهیاتی به معنای کنار گذاشتن باورهای مبنایی نیست، بلکه به معنای تفسیر مجدد آنها در پرتو بینش‌ها و ادراکات جدید است. این فرایند اغلب شامل بازبینی متون و آموزه‌های اساسی است و به دنبال کشف معانی و کاربردهای عمیق‌تر آنها در دنیای امروز است. تغییرات و نوآوری‌ها را می‌شود در قالب روند انقلابی یا تکاملی دید. تغییرات انقلابی عموماً در پی بحران می‌آیند و شامل گذار از «قبل» به «بعد» می‌شوند. در مقابل، تغییرات تکاملی افزایش‌یابند، تغییرات کوچکی که در پیوند با گذشته‌اند و در جهت اصلاح نظام فعلی اعمال می‌شوند (Osmer, 2008, pp. 205-206). از این‌رو، الهیات عملی تعادلی ظریف بین نوآوری در این مفهوم با آموزه‌های سنت دینی برقرار می‌کند تا به مقابله مؤثرتری با مسائل زندگی انسانی در جهان معاصر دست یابد.

نمونه‌هایی از این رویه را می‌توان در تفسیرهای جدید الهیاتی با توجه به مسائل معاصر، همچون برابری جنسیتی، پایداری زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی، اخلاق زیستی، هوش مصنوعی و حریم خصوصی دیجیتال مشاهده کرد. این رویه‌ها مستقیماً ناشی از ضرورت نوآوری الهیاتی برای هماهویی با مؤمنان و باورمندان امروزی است. رویدادهای اخیر جهان ضرورت آگاهی از دین و هویت‌های دینی را برجسته کرده است. دین نیرویی اجتماعی است که نمی‌شود آن را از سایر حوزه‌های جوامع انسانی جدا کرد، عامل فرهنگی و عملی است که مستقیماً بر جوانب مختلف اجتماعی و اقتصادی جامعه اثر می‌نهد (Selinger, 2004, p. 540). این موضوع متألّهان را تشویق می‌کند با میراث دینی خود خلاقانه درگیر شوند و از حکمت‌های آن برای رسیدگی به مسائل معاصر بهره‌برند.

نیاز به نوآوری در زمینه توسعه و رشد اعمال و مناسک نیز در الهیات عملی دنبال می‌شود. از آنجا که جوامع دینی به دنبال تعامل با مؤمنان مدرن‌اند، باید در نظر داشته باشند که چگونه اعمال عبادی، ساختارهای اجتماعی و تلاش‌های اطلاع‌رسانی آنها با رفع نیازهای جمعیت‌های مختلف تطبیق داده می‌شود. این امر شامل ادغام فناوری در عبادت، ایجاد فضاهای فراگیر برای گروه‌های به‌حاشیه رانده‌شده، یا توسعه اشکال جدیدی از مشارکت اجتماعی می‌شود که منعکس‌کننده پیچیدگی‌های زندگی معاصر است. این‌گونه نوآوری در الهیات عملی سبب



احیای جوامع دینی می‌شود. نهادهای دینی با پرداختن به مسائل معاصر و درگیر شدن با دغدغه‌های اعضای خود، احساس تعلق و پیوند را تقویت می‌کنند. نمونه این اقدام را می‌شود در کلیساهایی مشاهده کرد که جنبش‌های عدالت اجتماعی را پذیرفته و اهداف آنها را درون مأموریت دینی خویش ادغام کرده‌اند (Vallve, 2013, pp. 43-46). چنین رویکردی، در کنار همسویی با ارزش‌های انسانی، سبب می‌شود جامعه گسترده‌تری از طریق پیوند معنادار ایمان دینی با مسائل اجتماعی، به دین متمایل شوند؛ دستاورد غیرمستقیمی که به توسعه دیدگاه الهیاتی در جامعه می‌انجامد.

راه‌حلها و راه‌کارهای الهیات عملی برای چالش‌های انسان معاصر

بر مبنای الزامات پیش‌گفته، که مقومات این شاخه‌اند، راهکارهای الهیات عملی محقق می‌شوند. راه‌حل‌ها و راهکارهایی که از دریچه ایمان، اخلاق و مشارکت اجتماعی، توسعه منابع دینی، راهبردهای آموزشی و به‌کارگیری رسانه‌ها در بسط و ترویج آموزه‌های دینی می‌توانند در دست‌وپنجه نرم‌کردن با مسائل زیست‌مدرن به انسان معاصر کمک کنند.

الف) مشارکت اجتماعی: نقش الهیات در مسائل اجتماعی و مشارکت فعال در حل چالش‌ها. الهیات عملی تلاش دارد از طریق مشارکت فعال در جنبش‌های اجتماعی حضور پررنگی را در همراهی با انسان ایجاد کند. طبق نظر Browning (1995)، الهیات عملی نوعی پراکسیس^{۱۵} است نه آپولوژی^{۱۶}؛ منظور از پراکسیس اموری است که افراد در طول زمان با یکدیگر انجام می‌دهند تا نیازهای بنیادین خود را در پاسخ به حضور فعال خدا در زندگی دنیایی برطرف کنند یا مشارکت در الگوی کنشی که به‌نحو مشارکت‌جویانه شکل گرفته و سنتی پیچیده از تعامل مستمر میان افراد را پدیدار می‌کند (Dykstra & Bass, cit.). این دیدگاه مستلزم درک دقیق مسائل اجتماعی و تعهد به اقدام است. مفهوم «تأمل الهیاتی»^{۱۷} را در اینجا می‌شود طرح کرد، ابزاری که به افراد کمک می‌کند چالش‌های زندگی را کشف کنند و حکمت، الهیات و سنت کتاب مقدس را در آن به کار گیرند (Graham, 2022). عناصر تأمل الهیاتی مسائلی چون «حضور، درک، قضاوت، تصمیم‌گیری و دوست داشتن» (Lonergan, 1972, p. 285) است و راهبردهایی عملی ایجاد می‌کند که به موضوعاتی همچون فقر، نابرابری و آسیب‌های محیط زیست می‌پردازد. ب) توسعه منابع: ایجاد منابع و متون جدید در زمینه الهیات عملی. تعامل آگاهانه با

15. Praxis

16. Apology

17. Theological reflection.



مسائل معاصر مقتضی توسعه منابع و متون جدید در الهیات عملی است. از آنجا که دغدغه این شاخه شکوفایی انسان است و در پی پرورش کنش‌هایی است که به تحقق این امر کمک کند، مطالعات میان‌رشته‌ای دستیابی به این هدف را هموارتر می‌کند. الهیات عملی از منابعی چون ادبیات، علوم اجتماعی، فرهنگ عامه، بینش‌های فلسفی و روان‌شناسی بهره می‌برد. در دیالکتیکی با سنت متداول و تاریخی، بافت فرهنگی و تجربه‌های شخصی و جمعی نضج می‌گیرد و با همه اینها هویت الهیاتی خویش را حفظ می‌کند (Graham, 2017, p. 176). مطالعات بین‌رشته‌ای بینش‌های گسترده‌تری به مسائل فراهم می‌کنند و با ترکیب دیدگاه‌های گوناگون، منابع جامعی به وجود می‌آورند که به ماهیت چندوجهی چالش‌های معاصر می‌پردازد.

ایجاد نشریات دانشگاهی، تدوین کتاب‌هایی با رویکرد ترکیب مفاهیم الهیاتی با مطالعات موردی (فقر، جنگ و...) ^{۱۸} کتاب و منابع چندرسانه‌ای با هدف زمینه‌یابی، توصیف نظام‌مند و رویکردهای حل مسئله هدف توسعه منابع را تأمین می‌کند. به علاوه، ایجاد شبکه‌ها و انجمن‌هایی برای متخصصان و کارگزاران، تبادل ایده‌ها و اطلاعات را تسهیل می‌کند. این ظرفیتها بهممنزله فضاهایی برای اشتراک‌گذاری و دستیابی به بهترین شیوه‌ها، به انجام تحقیقات و توسعه راهبردهای نوآورانه برای مشارکت جامعه کمک می‌کنند. استفاده از ظرفیت‌های برخط هم به ایجاد ارتباطات گسترده و عمیق کمک می‌کند؛ فضایی که افراد در آن به‌طور زیستی با هم ارتباط برقرار می‌کنند و جامعه را حول منافع مشترک و مراقبت متقابل می‌سازند (Craig, 2020, pp. 17-20). منابع الهیاتی باید در تعامل با دیگر ظرفیت‌های خدمت‌رسان به حل چالش‌های زیست انسانی گسترش یابند. این رویکرد مشارکتی تضمین می‌کند که منابع از نظر زمینه‌ای مرتبط‌اند و به نیازهای جوامع مختلف پاسخ می‌دهند.

ج) راهبردهای آموزشی. این راهبردها به تعلیم و تربیت در حوزه آموزش الهیات عملی توجه دارند. به‌طوری‌که افراد بتوانند به دانش‌ها و مهارت‌هایی مجهز شوند که الهیات عملی را تحقق بخشند. آموزش باید چهار سطح آگاهی یعنی تجربه، درک، قضاوت و تصمیم‌گیری را در قلمرو تجربه‌های فکری، اخلاقی و دینی درگیر کند. برای مثال، معلمان این حوزه باید

۱۸. برای مثال، در کتاب *Practical theology for black churches: Bridging black theology and African American folk religion* نوشته دی. پی. اندروز مسائل اجتماعی و نابرابری‌ها از منظر الهیات عملی در کلیساهای سیاه‌پوست بررسی شده است که شامل مطالعات موردی در مورد فقر و بی‌عدالتی است.

همچنین، در کتاب *Practical Theology: A Handbook* نوشته هریت موات و جان سوینتون رویکردهای مختلف در الهیات عملی بررسی شده و شامل مثال‌هایی از چالش‌های اجتماعی مانند فقر، نابرابری و خشونت است.



فرایندهای یاددهی-یادگیری را، که احتمال می‌رود در قلمرو مذکور دخیل‌اند، بشناسند. به عبارت دیگر، افق‌هایی را بیافرینند که در آن، هر چه متعلمان آموخته‌اند در پیوند با زندگی عادی درک کنند و با آنها پیوند برقرار نمایند (Collins & Carrillos, 2011, pp. 168-171). این امر هم سبب توسعه اندیشه الهیات عملی می‌شود و هم امکان سنجش، بازبینی و رشد آن را در فرایند تجربه فراهم می‌آورد.

الگوهای یادگیری مشارکتی یا تجربی نیز می‌توانند این راهبرد را محقق سازند. فرایندهای یادگیری فعالیت‌های بدون زمینه‌ای نیستند که به صورت مجزا انجام شوند، بلکه ارتباط نزدیکی با تجربیات روزمره افراد دارند (Skresfrud, 2022, p. 2). در یادگیری تجربی معلم همچون تسهیل‌گری عمل می‌کند که می‌تواند متعلمان را برای به دست آوردن درک عمیق و مشارکت در تأمل انتقادی فعال کنند. با اتصال برنامه درسی به زندگی روزمره فرآیند یادگیری می‌تواند آنها را برای واقعیت‌هایی که با آن روبه‌رویند، توانمند کند. در این صورت، متعلمان مفسر فعال معناسازی دینی‌اند نه فقط مشاهده‌گر منفعل یا صرفاً دریافت‌کننده اطلاعات (Ibid, 2022, p. 11). یادگیری تجربی متعلمان را به حضور فعال و تجربه مسائل اجتماعی و مشارکت در پیشبرد تشویق می‌کند. با قرار گرفتن متعلمان در موقعیت‌های مختلف و برقراری پیوند میان آنها با مسائل الهیاتی می‌شود به درک عمیق‌تری از اهمیت الهیات در زندگی و نحوه عمل آن در گذار و بهبود شرایط دست یافت. الهیات عملی تأکید می‌کند آموزش الهیات باید فراتر از آموزش باشد و به تجارب عینی افراد منتقل شود تا سبب تحقق عینی آموزه‌های دینی شود. این رویکرد تأملات الهیاتی را پرورش می‌دهد و احساس مسئولیت در قبال مشارکت اجتماعی را نیز القا می‌کند.

د) استفاده از رسانه برای ترویج آموزه‌های دینی. پیشتر اشاره شد در جهان معاصر، رسانه‌ها نقشی مهم در انتشار اطلاعات و شکل‌دادن به برداشت‌های عمومی دارند. الهیات عملی از طریق این ظرفیت در رسانه‌ها می‌تواند برای ترویج آموزه‌های دینی با مخاطبان گسترده‌تری تعامل کند. این امر شامل استفاده راهبردی از رسانه‌های اجتماعی، پادکست‌ها، وبلاگ‌ها و محتواهای ویدیویی برای دسترسی به افراد فراتر از محیط‌های سنتی است. یکی از ویژگی‌های رسانه‌های دیجیتال افزایش چشمگیر اطلاعاتی است که تولید می‌کنند و در دسترس قرار می‌دهند، به طوری که هیچ محدودیت متنی، شنیداری و بصری برای آن نمی‌شود تصور کرد. پرداختن به این داده‌ها در درجه اول نیاز به شکل‌گیری سواد فرهنگی و رسانه‌ای متناسب دارد. این آگاهی اکنون به وجود آمده که حتی با وجود علاقه شخصی، نمی‌شود همه چیز را دانست و دنبال کرد. در تعامل با داده‌های رسانه‌ای باید دانست چطور خود را در معرض اطلاعات ضروری و مورد علاقه قرار داد و گرفتار داده‌های نامرتب و غیرضروری نشد. برای



متألهانی که الهیات را ساخت چهارچوب معنایی فراگیری درک می‌کنند که همه تجارب در آن می‌گنجند و معنا می‌یابند، این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد. رسانه‌ها به کاربران فرصت ابراز نظر و مشارکت می‌دهند، از این رو مخاطبان آنها تنها گیرنده نیستند و در خلق معانی و مفاهیم دخیل‌اند (Horsfeild, 2012, p. 9). این ویژگی می‌تواند بازتاب‌های الهیاتی و روایت‌های اجتماعی را ایجاد کند. از این رو، محققان حوزه دین و رسانه معتقدند ادیان می‌توانند عصر دیجیتال را همچون ابزاری برای حضور گسترده‌تر و مشارکت اجتماعی بیشتر به خدمت گیرند.

رسانه‌ها ابزار قدرتمندی برای آموزش و اثرگذاری بر افراد در اختیار دارند که از طریق آن می‌توانند بر دامنه مخاطبان خود بیفزایند. امکاناتی که رسانه‌ها در اختیار آموزش الهیات می‌گذارند، عبارت‌اند از:

۱. دسترسی بیشتر: رسانه‌ها آموزش‌های الهیاتی را برای مخاطبان بیشتری، چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر فرهنگی، در دسترس قرار می‌دهند.
۲. یادگیری انعطاف‌پذیر: برنامه‌های آموزشی منعطف که از طریق رسانه و فضای مجازی عرضه می‌شوند، نرخ مشارکت افراد را بالا می‌برند.
۳. تجارب یادگیری تعاملی: فناوری یادگیری تعاملی را از طریق انجمن‌ها، وبینارها و کلاس‌های درس مجازی تسهیل می‌کند، تجربه یادگیری را غنی و حس اجتماعی را تقویت می‌کند.

۴. برنامه درسی به‌روز شده: برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری می‌توانند به سرعت رویدادهای جاری و مسائل معاصر را در برنامه درسی بگنجانند و تضمین کنند که آموزش الهیات مرتبط و پاسخ‌گو به تغییرات اجتماعی باقی می‌ماند.

۵. ابزارهای یادگیری متنوع: در دسترس بودن منابع دیجیتالی مختلف — مانند کتاب‌های الکترونیکی، پادکست‌ها، و سخنرانی‌های ویدئویی — یادگیری را با توجه به سبک‌های مختلف یادگیری افزایش می‌دهد. این تنوع از درک عمیق‌تر و حفظ مفاهیم الهیات پشتیبانی می‌کند (Elkana, 2024, p. 40). دسترس‌پذیری و فراگیر بودن دامنه مخاطبان می‌تواند الهیات عملی را در جهت تحقق پیوند مداوم ایمان با زندگی معاصر افراد یاری رساند.

مصادیقی از حضور الهیات عملی در مواجهه با مسائل معاصر

توفیق الهیات عملی در پرداختن به مسائل انسانی دنیای معاصر به میزان مشارکت پیروان در به‌کارگیری این الهیات بستگی دارد. برای اینکه روشن شود آیا الهیات عملی در رسیدگی به چالش‌های انسان معاصر ظرفیت لازم را دارد یا نه، در ادامه به مصادیقی از آن اشاره



می‌شود. سه نمونه موفق الهیات عملی در زمینه اسلامی در حوزه توسعه اجتماعی در اندونزی و نهضت العلماء، هدفمندسازی زکات در پاکستان به منظور کاهش نابرابری، و مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی بین‌الادیانی و بینفرهنگی ملک عبدالله بن عبدالعزیز.

الف) توسعه اجتماعی در اندونزی و نهضت العلماء^{۱۹}. نهضت العلماء (NU) در اندونزی یکی از سازمان‌های بزرگ اسلامی در جهان است که الهیات عملی را از طریق تعهد به توسعه جامعه و عدالت اجتماعی تحقق بخشیده است. نهضت العلماء در سال ۱۹۲۶ تأسیس شده و نقشی مهم را در ارتقای آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و توسعه اقتصادی در مناطق روستایی ایفا کرده است. رویکرد این سازمان، ادغام آموزه‌های اسلامی با نیازهای جامعه است و بر اهمیت رفاه اجتماعی و مسئولیت جمعی افراد در جامعه در قبال یکدیگر تأکید می‌کند. از ابتکارات این نهضت، تأسیس مدارس شبانه‌روزی اسلامی است که نه فقط بر آموزش‌های دینی، که بر آموزش‌های حرفه‌ای و خدمات اجتماعی نیز توجه دارد. فارغ‌التحصیلان این مدارس در کنار تسلط بر آموزه‌های اسلامی به مهارت‌های عملی مجهزند که در جامعه مورد نیاز و کاربردی‌اند. محققان برآن‌اند که در جامعه اندونزی، ظرفیت آموزش اسلامی برای مقابله با چالش‌های اجتماعی - اقتصادی، به منظور برجسته‌شدن نقش کودکان در توسعه جامعه به خدمت گرفته شده است. به‌طور کلی، تأثیر ابتکارات نهضت العلماء در جامعه اندونزی عمیق بوده است. در مناطقی که این نهضت حضور پررنگی داشته، بهبود قابل توجهی در نرخ سواد، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و انسجام جامعه مشاهده شده است. این سازمان به‌طور موثر منابع را بسیج کرده و حس تعلق را در بین اعضای جامعه پرورش داده است که منعکس‌کننده کاربرد عملی ارزش‌های اسلامی در پرداختن به مسائل مسلمان معاصر است (Al-Ansi et al., 2019, pp. 13-14; Apologia et al., 2024).

ب) هدفمندسازی زکات در مالزی به منظور کاهش نابرابری. زکات، یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام است. در این فریضه، مسلمانان بخشی از دارایی‌های خود را به نیازمندان اعطا و فرهنگ سخاوت و حمایت را در جامعه ترویج می‌کنند. این عمل در کشورهای مختلف با اکثریت مسلمان امری نهادینه است. الهیات عملی از طریق تأکید بر انفاق و رفاه اجتماعی، می‌تواند این سرمایه عظیم دینی را به شکلی منسجم و هدفمند در جهت خدمت به جامعه به حرکت درآورد. در پاکستان، صندوق بین‌المللی رفاه سیلانی^{۲۰} رویکردهای نظام‌مندی را برای جمع‌آوری و توزیع زکات پیاده‌سازی کرده است. این صندوق تضمین می‌کند که بودجه حاصل از زکات‌های عمومی برای حمایت از آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و توسعه

۱۹. دسترسی به پایگاه اینترنتی این سازمان: «www.nu.or.id».



اقتصادی برای جوامع محروم تخصیص داده شود. تأثیر این اقدام در جامعه بسیار چشمگیر بوده است. تخصیص درآمدهای حاصل از زکات به نیازهای فوری و سرمایه‌گذاری در امور مربوط به توسعه به شکل بلندمدت، به فقرزدایی و انسجام اجتماعی کمک کرده است. نظام سرمایه‌گذاری و تخصیص درآمدهای حاصل از زکات به جمعیت‌های حاشیه‌نشین، به کاهش نرخ فقر و بهبود دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی در میان آنان انجامیده است. تحقق این وجه عملی از الهیات اسلامی، ظرفیت ابتکارات مبتنی بر ایمان را برای ایجاد تغییرات معنادار در جامعه نشان می‌دهد.^{۲۱}

ج) مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی بین‌الدینی و بین‌فرهنگی ملک‌عبدالله بن عبدالعزیز.^{۲۲} ضرورت پرداختن به گفت‌وگوی بین‌ادیان با هدف تقویت تفاهم و همکاری میان جوامع مختلف دینی از راهکارهای الهیات عملی برای مواجهه با چالش‌های فرهنگی و هویتی و در جهت تقویت دیگرپذیری و ترویج اندیشه‌های همدلانه و مداراگرایانه است. یکی از نمونه‌های توجه به این امر، مرکز بین‌المللی ملک‌عبدالله بن عبدالعزیز برای گفت‌وگوی بین‌ادیان و فرهنگ‌ها (KAICIID) است. این مرکز در سال ۲۰۱۲ در وین تأسیس شد. این ابتکار به دنبال ترویج گفت‌وگو میان پیروان مذاهب مختلف و با تأکید بر ارزش‌های مشترک و تلاش‌های مشترک برای رسیدگی به چالش‌های جهانی است. این مرکز، کنفرانس‌ها و گفت‌وگوهای متعددی را فراهم کرده و رهبران دینی، دانشمندان و فعالان این حوزه را با هدف مقابله با افراط‌گرایی و ترویج صلح و تفاهم گرد هم آورده است. براساس گزارش‌ها، این مرکز می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای حل تعارضات بین فرهنگی و ایجاد جامعه‌ای بهتر عمل کند. از دستاوردهای این مرکز می‌توان به تلاش در جهت تقویت روابط بین فرق، مذاهب و ادیان، کاهش تنش‌ها و ترویج فرهنگ احترام متقابل و تفاهم اشاره کرد. در مناطقی که خشونت‌های بین مذاهب وجود دارد، این اقدامات به بهبود و ترویج زمینه‌های ایجاد صلح کمک می‌کنند؛ موضوعی که نشان‌دهنده ارتباط الهیات عملی در ترویج هماهنگی در جوامع کثرت‌گراست.^{۲۳}

براین اساس، می‌شود نتیجه گرفت که الهیات عملی در جوامع اسلامی توانسته است در برخی سطوح مهم و مرتبط با مسائل زیست مسلمانان معاصر ابزاری برای عدالت و مشارکت‌های

۲۱. شرح خدمات و فعالیت‌های این صندوق در پایگاه اینترنتی آن به آدرس «<https://saylaniwelfare.com>» در دسترس است.

22. The King Abdullah bin Abdulaziz International Centre for Inter-religious and Intercultural Dialogue

۲۳. اطلاعات مربوط به اهداف و مأموریت‌های این مرکز در پایگاه اینترنتی آن، به آدرس «<https://www.kaiciid.org>» در دسترس است.



اجتماعی باشد. این امر از طریق ادغام ایمان با عمل، به ابتکاراتی دست یافته که از طریق آنها به تغییر زندگی فردی و بهبود زیست اجتماعی کمک کرده است. اگرچه این جوامع همچنان با مسائل پیچیده‌ای مانند فقر، نابرابری و نزاع‌های درونی درگیرند، با این حال، بینش‌های به‌دست‌آمده از تلاش‌های عینی، بر نقش و اهمیت الهیات عملی در تحقق تعاملاتی سازنده‌تر میان ایمان با جوامع دینی، و الهیات با چالش‌های زیست انسان معاصر تأکید دارند. از این رو، می‌شود گفت تأمل هدفمند با اصول ایمان به روش‌های معنادار می‌تواند به تغییرات عمیقی در نحوه برداشت و تفسیر بینجامد که حاصل آن، نمودی عینی و عملی در جامعه و به نفع جامعه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

الهیات عملی به‌عنوان یکی از رویکردها در عرصه الهیات، با تأکید بر عمل‌گرایی و تحقق آموزه‌های دینی در زندگی روزمره، می‌کوشد از طریق ایجاد و تقویت تعامل دوسویه میان دین و کنش‌های انسانی، نقشی مؤثر در مواجهه با چالش‌های معاصر ایفا کند. این رویکرد به تلاقی باورها، سنت‌ها و رفتارهای دینی با دغدغه‌ها و عملکردهای انسان معاصر می‌پردازد و در این زمینه، به غنای الهیات و نقد عملی سنت‌ها و تحول فرهنگی انجامیده است. الهیات عملی می‌کوشد ایمان را با واقعیت‌های زندگی پیوند دهد و از این طریق به چالش‌های اجتماعی و سیاسی، تنوع فرهنگی، مسائل اخلاقی، بحران‌های انسانی و زیست‌محیطی پاسخ دهد.

تحقق این اهداف نیازمند ایجاد زیرساخت‌ها و الزاماتی است که به درک بهتر واقعیت‌های زندگی معاصر کمک می‌کند. این زیرساخت‌ها زمینه‌ساز ارائه راهکارهایی از منابع دینی و تعامل با معرفت‌های بشری در چهارچوب‌های مختلف خواهند بود. تحلیل و نقد آموزه‌های دینی، بستر مناسبی برای گفت‌وگوهای درونی دین و گسترش این گفت‌وگوها به عرصه بین‌الادیانی فراهم می‌آورد. همچنین، توسعه تفکر انتقادی در الهیات، نوع نگرش و تفسیر از امور دینی را متحول و کارآمدی آن را در مواجهه با مسائل جدید تسهیل می‌کند. نمود این کارآمدی در رویکرد ابزاری‌نگری به فناوری از منظر الهیات عملی مشاهده می‌شود.

با توجه به دغدغه‌ها و الزامات موجود، الهیات عملی نگاهی عینی و مشارکتی را در مواجهه با مسائل جهان جدید اتخاذ کرده است. مشارکت‌های اجتماعی به‌صورت حضور مؤثر در حل مسائل یا پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، نخستین نمود الهیات عملی را نمایان می‌سازد. این مشارکت‌ها سبب ظهور جوانب مختلف الهیات جدید در جهان معاصر شده‌اند. علاوه بر این، الهیات عملی با توسعه منابع و رویکردهای عمل‌گرایانه، جوانب عینی‌تری از الهیات را به نمایش می‌گذارد و مسئله مداخله آن را در حل مسائل انسان معاصر برجسته می‌کند.



استفاده از راهبردهای آموزشی و رسانه‌های جدید در ترویج رویکرد عینی الهیات، به اشتراک‌گذاری تجربیات عملی الهیات در خدمت به جامعه انسانی و حل چالش‌های زیستی انسان معاصر از دیگر اقدامات الهیات عملی است. این تلاش‌ها موجب توسعه اندیشه الهیات عملی در پیوند ایمان با واقعیت‌های زندگی انسان معاصر می‌شود و کارآمدی عینی الهیات را در نسبت میان انسان و مسائل زیستی او نشان می‌دهد. نمونه‌های عینی تحقق الهیات عملی در جوامع اسلامی مختلف، نشان‌دهنده امکان و کارآمدی این رویکرد است. این امر نشان می‌دهد با تخصصی‌شدن عملکرد نهادهای مختلف و مرزبندی میان حوزه‌ها، الهیات عملی می‌تواند در کنار دیگر حوزه‌ها به حل مسائل انسان و کاهش رنج او کمک کند. این امر به معنای امکان حضور معنادار دین و دینداران در جهان معاصر و برای مواجهه و حل مسائل و مشکلات متعلق به آن است.

فهرست منابع

- برگر، پی. و زایدرولد، ای. (۱۳۹۸). *اعتقاد بدون تعصب*. (محمود حبیبی، مترجم). نشر گمان. دورکیم، ام. (۱۳۹۶). *صورت بنیانی حیات دینی*. (باقر پرهام، مترجم). نشر مرکز.
- Al-Ansi, A. M., Ishomuddin, I., Sulistyaningsih, T., & Kartono, R. (2019). Rational choice of following Muhammadiyah and Nahdlatul Ulama and their social and political role in Indonesian society. *Open Access Library Journal*, 6(11), 1-15.
- Apologia, M. A., Mas'od, M. M., Masykuri, A., Hidayati, A., & Putra, V. E. P. (2024). Child-Friendly School Management: A Study of Ukhuwah Wathoniyah at Ma'arif Nahdlatul Ulama. *Dirasah International Journal of Islamic Studies*, 2(2), 106-119.
- Brookfield, S. (1987). *Developing critical thinkers: Challenging adults to explore alternative ways of thinking and acting*. Open University Press.
- Browning, D. S. (1995). *A Fundamental Practical Theology* (Book Review). *Theological Studies*, 53(4), 772.
- Brueggemann, W. (2012). *The practice of prophetic imagination: Preaching an emancipating word*. Fortress Press.
- Cahalan, K. A. (2005). Three approaches to practical theology, theological education, and the church's ministry. *International Journal of Practical Theology*, 9(1), 64-94. Doi: <https://doi.org/10.1515/IJPT.2005.005>.
- Campbell, H. A., & Evolvi, G. (2020). Contextualizing current digital religion research on emerging technologies. *Human Behavior and Emerging*



Technologies, 2(1), 5-17.

Collins, J. F., & Carroll, S. (2011). Teaching practical theology: Implications for theological education with reference to Lonergan's theoretical framework. *Australian e Journal of Theology*, 18(2), 166-174.

Craig, A. L. (2020). Online Jesus: A guide to community, discipleship and care online. Logos.com. <https://www.logos.com/product/211352/online-jesus-a-guide-to-community-discipleship-and-care-online>.

Elkana, S. (2024). Technology-Based Theological Training Answers The Challenges Of The Times. *International Perspectives in Christian Education and Philosophy*, 1(3), 34-43. Doi: <https://doi.org/10.61132/ipcep.v1i3.80>.

Francesco, P. (2015). *Laudato si'*. Edizioni piemme.

Ganzevoort, R. R., & Roeland, J. (2014). Lived religion: the praxis of Practical Theology. *International Journal of Practical Theology*, 18 (1), 91-101.

Graham, E. (2017). The state of the art: Practical theology yesterday, today and tomorrow: New directions in practical theology. *Theology*, 120(3), 172-180.

Graham, E. (2022). Theological Reflection, In Brendan N. Wolfe et al (Eds.). *St Andrews Encyclopaedia of Theology*. <https://www.saet.ac.uk/Christianity/TheologicalReflection>.

Greider, K. J. (2014). Religious pluralism and Christian-centrism. In Bonnie J. & Miller-McLemore. *The Wiley Blackwell companion to practical theology* (pp.452-461). Doi:10.1002/9781444345742.

Grosby, S. (2005). *Nationalism: A very short introduction*. Oxford University Press.

Helland, Ch., & Kienzl, L. (2021). Ritual. *Digital religion* (pp.40-55). Routledge.

Horsfield, P. (2012). A moderate diversity of books?. The challenge of new media to the practice of Christian theology. *Digital religion* (pp.243-258). *social media and culture: Perspectives, practices and futures*.

Jenkins, W. (2013). *Ecologies of grace: Environmental ethics and Christian theology*. Oxford University Press.

Johns, M. D. (2021). Ethical issues in the study of religion and new media. *Digital religion* (pp.250-265). Routledge.

Johnson, E. A. (2017). *She who is: The mystery of God in feminist theological discourse*. Crossroad Publishing Company.



- Küng, H. (1928). *Christianity: essence, history and future*. Continuum.
- Kwok, P. (2005). *Postcolonial imagination and feminist theology*. Westminster John Knox Press.
- Lonergan, B. (1972). *Method in Theology*. Darton Longman & Todd.
- Lövheim, M., & Lundmark, E. (2021). Identity. *Digital religion* (pp.54-70). Routledge.
- Melnik, S. (2020). Types of Interreligious Dialogue. *Journal of Interreligious Studies*, (31), 48-72.
- Osmer, R. R. (2008). *Practical theology: An introduction*. Wm. B. Eerdmans Publishing.
- Schlumpf, H. (2016). *Elizabeth Johnson: Questing for God*. Collegeville. Liturgical Press.
- Selinger, L. (2004). The forgotten factor: The uneasy relationship between religion and development. *Social compass*, 51(4), 523-543.
- Sharp, M. M. (2011). Globalization, Colonialism, and Postcolonialism. In Bonnie J. & Miller-McLemore (Eds.). *The Wiley Blackwell Companion to Practical Theology* (pp.422-431). Doi:10.1002/9781444345742.
- Silvestri, S., & Mayall, J. (2015). The role of religion in conflict and peace-building. *British Academy*.
- Skrefsrud, T. A. (2022). A Proposal to Incorporate Experiential Education in Non-Confessional, Intercultural religious education: Reflections from and on the Norwegian context. *Religions*, 13(8), 727.
- Swinton, J., & Mowat, H. (2016). *Practical theology and qualitative research*. SCM press.
- Teasdale, W. (2004). *Catholicism in dialogue: conversations across traditions*. Rowman & Littlefield.
- Tracy, D. (1981). *The Analogical Imagination: Christian Theology and the Culture of Pluralism*. Crossroad.
- Unruh, H. R. (2005). *Saving Souls, Serving Society: Understanding the Faith Factor in Church-Based Social Ministry*. Oxford University Press.
- Vallve, M. (2013). *An Approach of the Church to Certain Contemporary Social Movements: A Theological and Practical Exploration* (Doctoral dissertation, Institute of Theology).

